

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.  
۱۰ اگست ۲۰۱۵

## اختیاری بودن دین !!!؟



بامطالعه از شرایط جوامعی که اسلام در آن مستقر شده و ملاکک ها با تلاش های رنگارنگ در بسط و توسعه آن از هیچ گونه دهن پارگی بیشتر مانده دریغ نمی ورزند اگر دقیق شویم با اسلام و مسلمانهای گوناگون مواجه خواهیم شد که در مجموع تمام گفتار و اعمال خود را به همان قرآن و هدایات الله نسبت داده و تمام جنایات و وحشیگری های خود را

زیر همین نام شکل مقدس می دهند.

اسلام و احکام تطبیقی آن توسط یک تعداد از چک چکی های ریش دار و بی ریش ، بیسواد و کم سواد، مو دراز و یا موی کوتاه در عربستان، ایران، پاکستان، اندونزی، عراق، مصر افغانستان، هندوستان، اروپا، امریکا، مالیزیا، سومالیا ایتوپیا، و... باهم تفاوت های فاحش داشته و ملاک های آنها هم به، روایت از شیوخ و مفتی های همدیگر روایات مختلفی دارند که سعی داشته به نحوی همه را به قرآن و یا هم حدیثی از محمد و اصحاب نسبت بدهند تا شکل کامل دینی پیدا و امر قطعی در تطبیق آن به دست داشته باشند، موارد زیاد وجود دارد اما درین نوشتار دنبال روایاتی از مداحان اسلامی خود نمی رویم که با افسانه های طمطراقی از فلان شیخ و فلان مفتی گلو پاره نموده اند.

درین نوشته کوتاه می رویم سراغ موضوع بزرگتر از گفتار و فتوای یک شیخ کثیف و خوشحالی رقصان شان یعنی تفسیر مختصر از اسلام و مسلمین در باره قبولی و عدم قبولی دین به رضاء و میل خود انسان از روی قرآن.

**یک آیت بسیار جالب ! در قرآن، آیت ۲۵۶ از سوره البقرة می باشد، در بخش نخست این آیت، در قالب دو جمله، چنین آمده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» ترجمه: در دین اِکْرَاه نیست؛ رایبایی از گمراهی روشن شده است.**

خواندن و یا شنیدن این آیت در قدم اول هر خواننده و یا شنونده خوش باور و خوش قلب را مجذوب می کند و باور مند می سازد به این که ( او ) در مشخص ساختن دین برای خودش اختیار دارد و می تواند خودش راهی برای خود انتخاب نماید و کسی نمی تواند او را مجبور به مسلمان بودن و یا پیرو بودن از دین دیگر سازد یعنی هیچ کسی به زور و اجبار نمی تواند دینی را بالایش تحمیل نماید.

ملاک های ما هم که در ممالک غربی و یا در هر کجای دنیا که در آسودگی زندگی دارند ( بدون ممالک اسلامی ) و به رسم زمانه و مطابق شرایط همان محیط زیست و از دریشی و نکثانی هم بهره مند استند برای این که اسلام را دین عاری از خشونت جلوه دهند و شکلی از دموکراسی الهی را در قرآن نمودار سازند همیشه متکی به این آیت تبلیغ می دارند که نمی توان به زور و جبر دین اسلام را بر دیگران قبولاند، آنها شمشیر کشی ها و جنایات محمد و یارانش را در ابتدای اسلام و بعدا چپاولگری های دنباله روانش را در جهان مخصوصاً در کشور ما نا دیده گرفته و اصلاً منکر می شوند و چنان جلوه نمائی می دارند که گویا اسلام دین صلح، برابری، برادری و عدالت است و بعضی از چشم سفیدان آنها ادعا می دارند که تمام جنگ ها ، لشکر کشی ها، چپاول هستی مردم، سر زدن صد ها هزار از باشندگان بومی در آسیا و بردن زنها و دختران شان منحصراً کنیز و فروش آنها در بازار های مکه و مدینه توسط محمد ، چهار یار با صفا، اصحاب کرام و دزد های غارتگر مکه و مدینه و دیگر قبایل نیمه وحشی عرب زیر نام اسلام جنک های دفاعی بوده است ؟ یعنی اعراب چپاولگر هزاران کیلو متر دور تر از محل خود شان به سر زمین ما تجاوز، لشکر کشی و قتل عام کردند تا از خود و دین شان دفاع نمایند ؟؟؟؟؟؟؟

حال اگر خوشباورانه گفتار ملاک ها را قبول نکرده کمی در باره آن تحقیق و تفکر کنیم فقط در یک جمله محمد می بینیم که به مردم یمن گفته بود که : یا باید اسلام بیاورند یا جزیه بدهند ؟

اینجا در مقابل هدایت صریح قرآن در باره اجباری نبودن دین یک شرط می بینیم آنهم ( جزیه ) است ، یعنی کسانی که در قلمرو اسلامی زندگی می کنند می توانند دین آزاد داشته باشند مشروط به این که جزیه بدهند ورنه مجبور استند که مسلمان شوند، در آیت قرآن در باره قبول دین شرط نیست اما قدرت طلبی و ده ها دلیل دیگر سبب می شود که بعد ها محمد و جنگجویان اسلامی آیات دیگری در قرآن زیاد نمایند.

به ارتباط همین موضوع اختیاری بودن دین در صفحه ۱۴۰۹ جلد چهارم تاریخ طبری می خوانیم ( از جمله دستور های ابوبکر این بود که وقتی به جای فرود آمدید آذان گوئید و اقامه نماز گوئید، اگر مردم آنجا نیز آذان گفتند و اقامه

نماز گفتند از آنها دست بر دارید و اگر نگفتند به آنها حمله کنید و بکشید و به آتش سوزید و به طریق دیگر نابود کنید و اگر دعوت اسلام را پذیرفتند از آنها پرسش کنید، اگر زکات را قبول دارند از آنها بپذیرید و اگر منکر زکات بودند بی گفت و گو به آنها حمله کنید) این هم یک نمونه روشن و واضح از اجباری نبودن دین اسلام.

بعضی از مفتی ها و شیوخ که همیشه خواستار تسلط دین اسلام در جوامع عقب نگهداشته شده و بیخبر از دانش می باشند به ارتباط این آیت برای وابسته های خود هدایاتی دارند که با تفصیلات اضافی شکل مدرن بودن این آیت را مغشوش نسازند و رقااصان شان هم طبق همین دستورات در حد تشریح قسمت اول آیت ۲۵۶ سوره بقره بسنده نموده و گلو پارگی لازم را می نمایند و از تفصیل بیشتر آیات دیگر متضاد آیت فوق (تا لازم نشود) خود داری می نمایند. بعضی از ملا های مشرق زمین آن آیت سوره بقره را بی اهمیت خوانده و زیاد تر به این آیت تکیه داشته وورد زبان شان است

همان خداوندی که فرموده "لا اکراه فی الدین" در جای دیگری بیان نموده که

{وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ} (و هر کس جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است)، (آل عمران، ۸۵)

ملا گک های دریشی دار و نکتائی بسته ما در غرب ازین آیت حرفی نمی زنند چون در این آیت زور گوئی الله مشخص شده و دین قابل قبولش هم نمایان شده است، و آیت ۲۵۶ سوره بقره ارزش اخلاقی و انسانی خود را در مقابل این آیت از دست می دهد.

و همچنان سوره التوبه آیت ۲۹ که در مفهوم و حکم مغایر و خلاف آیت ۲۵۶ سوره بقره می باشد چنین است:

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز قیامت ایمان دارند و نه آنچه را خدا ورسولش حرام کرده حرام می دانند و نه دین حق را می پذیرند بجنگید تا زمانی که باذلت و خواری به دست خویش جزیه بدهند اینجا آیت ۲۵۶ اصلاً اهمیت و مفهومی ندارد چون الله با اهل کتاب قهر نموده و بر آنان خشم گرفته است.

تعدادی ازین شیخک ها عصبانی شده و برای تشریح و استدلال بر آیت ۲۵۶ سوره بقره چنین می گویند ولی این آزادی در عقیده و ایمان به آن معنا نیست که هر کس در عمل بتواند هر منکری را انجام دهد و بگوید من آزادم و کسی حق ندارد مرا از راهی که انتخاب کرده ام باز دارد، بت شکنی ها، جنگ ها، نهی از منکرها، تبعیدها و حبس ها نشانه آن است که اگر چه انسان قلباً اعتقادی ندارد ولی حق ندارد برای جامعه یک فرد مودی باشد، در اینجا لازم است به نکته دیگری اشاره نمائیم که تشریح جهاد و فرمان آن در اسلام نه برای تحمیل دین بلکه برای رفع فتنه و فساد است «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ... (و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرا می گرفت).

همچنان می گویند:

آیت «لاکراه فی الدین» با تشریح جهاد ابتدائی تنافی ندارد چون تصور تنافی چنین است که از یک طرف آیت شریفه می فرماید اجباری در دین نیست و از طرف دیگر به آیات و روایات متعددی بر می خوریم که مربوط به جهاد ابتدائی است که با مشرکان و کافران جهاد کنید؟ (یعنی بگذارید شخصی را اگر اسلام را قبول نکرد و دینی دیگری را برگزید او را بکشید) این یک نوع عدالت اسلامی است؟

خداوند دستورها و برنامه هائی برای سعادت و آزادی و تکامل انسان ها طرح کرده است و پیامبران خود را موظف ساخته که این دستورها را به مردم ابلاغ کنند، حال اگر فرد یا جمعیتی ابلاغ این فرمان ها را مزاحم منافع پست خود ببینند، و بر سر راه دعوت انبیاء موانعی ایجاد نمایند، آن ها حق دارند نخست از طرق مسالمت آمیز، و اگر ممکن نشد با توسل به زور این موانع را از سر راه خود بردارند، و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند، و این حق مردم است که

بتوانند ندای منادیان راه حق را بشنوند و در **قبول دعوت آزاد** باشند، حال اگر کسانی بخواهند آن ها را از حق مشروعتشان محروم سازند و اجازه ندهند صدای منادیان راه خدا به گوش جان آن ها برسد، طرفداران این برنامه ها، حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی از هر وسیله ای استفاده کنند و از اینجا ضرورت «جهادهای ابتدائی» در اسلام روشن می گردد پس جنگ با مشرکین به خاطر این نیست که توحید و دین را به آن ها تحمیل بکنیم؛ زیرا دین زور بردار نیست و این مفاد آیت شریفه «لا اکره فی الدین» است بلکه جنگ با مشرکین و کفار حتی در صورت ابتدائی آن به خاطر رفع موانع تبلیغ دین و هم چنین ریشه کن کردن فساد و **شرک** است

آیت «لا اکره فی الدین» با آیت ۱۹۳، بقره: «و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین لله فان انتهوا فلاحون الا علی الظالمین»، (و با آن ها را بکشید تا **فتنه** باقی نماند و دین مخصوص خدا گردد، پس اگر دست برداشتند تعدی جز بر ستمکاران روا نیست) **همخوانی ندارد**

در کشور های به اصطلاح اسلامی که ظلم و ستم، حق تلفی، چپاول، رشوت ستانی، نا امنی، فحشاء، بد اخلاقی، قمار، بچه بازی، اعدام بیگناهان، غصب زمین و دارائی های مردم، سلب آزادی، ممانعت پیشرفت علوم، و... واضحاً مشهود است ارگانهای دولتی هم به نام ( امر به معروف و نهی از منکر) وجود دارد که مطابق شریعت اسلامی، با شلاق، سیلی، حبس و اعدام !!! دین مبین اسلام را **مسالمت آمیز** به دگر اندیشان تحمیل می دارند !!! اینست مفهوم (در قبول دین اکراه نیست) البته در غرب ازین دفاتر خیری نیست فقط ملا گک ها و تبلیغات مدرن با لبخند وجود دارد و بس. امر به معروف به زور دین اسلام را بر مردم تحمیل می دارد تا همه مسلمان شوند و باشند و هر چه ملا و شیخ و چلی گفت همان را انجام دهند.

بر گردیم به همان آیت سوره بقره:

مبصرین و شمشیر زنان اسلامی در شرق و کشور هائی که رهبران دینی و نماینده های الله هنوز هم قدرت دارند و یا هم الله اکبر گویان سر می برند در صورت لزوم که ندرتاً اتفاق می افتد در شرح این آیت چنین می گویند: تنها دینی که مورد پذیرش خداوند بوده همین اسلام است که مؤمن باید اعتقاد قلبی به این دین داشته باشد و این ایمان از راه اکراه نباید به وجود آید؟؟؟؟

یعنی مسلمانی که قلباً به اسلام ایمان دارد در قبولی دینش اکراه نیست و می پردازند به تحلیل بخش دوم آیت که : راه یابی از گمراهی روشن شده است؟ یعنی مسلمانی که با قلبش ایمان آورده در قبول اسلام آزاد است و اکراهی نیست ؟؟؟؟ یعنی آزاد است که همین اسلام را بپذیرد و یا هم باید بپذیرد ؟؟

البته باید تذکر داده شود که هر فردی باید بدون این که افراد دیگر او را به زور و اکراه وادار کنند، خودش اسلام را قبول کند که اگر نکند خداوند کیفر تصمیم نادرست و نا حق او را خواهد داد، وملا و چلی و ریش دار ها که نمایندگان الله و مجری تطبیق کیفر الله خود را می دانند باید او را در همین دنیا مسلمان سازند و عقوبت آخرتش را به الله بگذارند.

با دوام فتوحات اسلامی و کشتار بیرحمانه آنها دنباله روان عجمی به بهانه اطاعت از هدایت همین آیات برای یافتن امتیازات بیشتر خود را راه صاف کن مهاجمین وحشی ساخته و کمک بزرگی برای پیشبرد جنایات و چپاول آنها نموده و می نمایند، باداران و همین غلامک ها برای پیشبرد و آسانی کار شان در شرایط مختلف قید و بند های اسلامی هم مطرح ساخته اند مثلاً قانونمندی های اسلامی در یک کشور مفتوحه چنین بوده است:

اگر به اثر جنگها یا معاهدات سازش؟؟ گروهی از غیر مسلمانان در قلمرو کشور اسلامی قرار گیرند می توان یکی از اعمال ذیل را در ارتباط با آنان اجراء نمود:

آنان را در صورت عدم پذیرش دین اسلام از دم تیغ گذرانیده و از صحنه گیتی حذف نمود

آنها را مجبور به مهاجرت از وطن خود نموده و آواره سر زمین های غیر اسلامی کرد

آنها را وادار به پذیرش دین اسلام نمود

آنها را آزاد گذاشت که بر دین خود باقی مانده و به دولت اسلامی جزیه بپردازند

این دیده درای بی خرد با چشم سفیدی مختص خودشان در پایان این طرح ها می نویسند که : آیا شما شیوه ای بهتر ازین روش که هم آزادی این دسته از افراد را در نظر گرفته و هم با پرداخت مالیات متناسب پشتیبانی حکومت اسلامی را از آنها به دنبال خواهد داشت در نظر دارید ؟؟؟؟؟؟؟

بعدها این شیخ خودش عالمانه می پرسد ؟

ممکن است پرسش دیگری پدیدار شود که چرا پیامبر اسلام اقدام به جنگ و تصرف مناطق دیگر می نمود تا بعد از آن، غیر مسلمانانی در قلمرو حکومت اسلامی قرار گرفته و مجبور به انتخاب هائی شوند که خودشان نمی پسندند پیامبر می گوید: "صلح را تا زمانی که موجب سستی پایه های دین نگردهد، مفیدتر از جنگ و خونریزی می دانم"

**چه دلیل خوبی برای قبولی دین اسلام ؟؟؟؟؟؟؟**

ماله کثان اسلامی برای نقص گیری کجی ها و خرابی های دین شان سعی و تلاش های زیادی نموده اند تا بتوانند این دین وحشت و بربریت را در غرب شکل انسانی داده و درین اواخر لباس مدرن به تن آن نمایند ، اما در شرق با همان وحشت ابتدائی ۱۴۰۰ سال پیش خود، ادامه دارد و از صلح و برادری و هم نوعی خبری نیست.

مولدین اسلام، دزد های شریک، یاران منفعت طلب، رهروان بی بند و بار و چپاولگر و عجم های وجدان فروخته در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام سعی بر این داشته اند که به زور شمشیر چپاول، قتل و جنایت انجام دهند و بعداً بیشرمانه ادعا دارند که اسلام دین صلح است و همه انسانها در مشخص نمودن دین شان آزاد هستند ؟ یعنی این که اسلام در هیچ جای دنیا به زور شمشیر داخل نشده ؟ هیچ قتل و جنایتی را هم مرتکب نگردیده است ؟ این یک دیده درائی خاص مخصوص همین ریش دارن و شیخک ها است

خوب اینها منافع خودشان را دارند، ثروت های بیشمار کشور های مفتوحه در زمان لشکر کشی های شان، مسلط ساختن فرهنگ کثیف و بدوی آنها در ممالک دور از تمدن و سرازیر شدن میلیونها دالر پول مردم خوش باور به نام های حج، خرید آب زمزم، تسبیح، قر بانی، جای نماز، ساعت عربی، لوحه ها وقاب ها پر از کلمات عربی ، و ... این همه پول در دامن همین شیخک ها می ریزد و مصارف عیاشی آنها را در قمار خانه و رقص خانه غربی زمینه ساز می شود.

اما این ملا گک های وطنی خود ما !! چی ؟؟ اینها که عرب نیستند ؟ اینها عجم هستند ، یعنی مسلمان شده های درجه دوم ، اینها هیچ نوع امتیازی در جوامع عربی ندارند به جز نوکری و غلامی ، تعداد زیادی ازینها به همین هم خوش هستند، گاهگاهی هم به خاطر این که خود را بیشتر به عرب مهاجم نزدیکتر جلوه دهند خود را به لباس عربی مزین می سازند ، از مساجد مکه و مدینه صحبت می کنند، از ابراهیم، اسحاق، یوسف و داوود، نوح ، سلیمان و محمد ، ابوبکر ، عثمان، علی ، عمر، خالد، قطیبه و ... با چشمان اشک آلود صحبت می دارند حتی می دانند در کجا می خوابیدند و چند زن داشتند اما این بی وجدان خفته ها هرگز به یاد ندارند و یا نمی خواهند بدانند به صد ها هزار کنیز در بازار برده فروشان مکه و مدینه از همین سر زمین ما برده شده بودند ، همین اعراب وحشی به شرف، عزت و ناموس ما تجاوز نمودند اما همین رقص های شیوخ به نام های ملا و عالم اسلامی مردم راتشوویق می دارند تا در سر قبر های آنان رفته و شفای مریضی و مشکلات خود را از آنان بخواهند از آن مرده های جنایت پیشه، قاتلین آباء و اجداد ما، آنهایی که شرف و ناموس ما را به باد داده و به تاراج بردند، شیخ، ولی، و به جای رسیده ساخته و مردم ما را خرافاتی تر می سازند!!! این ها دلال های ناموس فروش برای عرب ها !!!؟؟ اینها یعنی ملا ها و آنانی که خود را عالم دین می دانند

فراموش نموده اند که آنها قاتلین مادر ها، خواهر ها، دخترها و پایمال کننده های شرف و عزت شان هستند همه را به فراموشی سپرده اند فقط به خاطر چند پولی و دستمزدی که دریافت می دارند امروز از آنها روایت می کنند، به امر و هدایت آنها به نام دین اسلام می کشند ، گردن می زنند و اگر هم هیچ کاری خشنی از دست شان ساخته نبود و در آرامش غرب زندگی داشتند عربی گفته و نشان می دهند که شرف باخته ای بیش نیستند و غلام عرب امروز به خاطر شمشیر دیروزی.

هموطن فریب مخور ! دین اسلام دین فریب است ، دین آدمکشی و جهالت است ، سر زدن ، جنایت، چپاول و هر کاری به نفع اعراب و زور مندان و دولت های استعماری باشد به زعم اینان شرعی و جایز است.

حق زن، حق کارگر، حق تحصیل و تعلیم ، حق آزادی، در این دین حرام است چه رسد به حق انتخاب دین ؟؟؟؟؟!!!! مطمئن باشید انسان مظلوم ، طبقه زحمتکش و کارگر در هیچ جامعه ای به جز جامعه ای که خودش سازنده آن باشد حقی ندارد، نه دین ، نه دولت ، نه زور گویان نه ملا نه عالم دین و نه هیچ کسی به او هیچ نوع حقی نمی دهد